

حقوق و تکالیف جهانگردان

کشورهای مختلف برای تعیین صلاحیت قضایی خود از روشهای گوناگونی بهره می گیرند. برخی از یک سیستم و برخی دیگر از تلفیق چندسیستم استفاده می کنند. بطور کلی سیستمهای ذیل در دنیا مطرح می باشند.:

۱- سیستم سرزمینی بودن قوانین جزایی

۲- سیستم شخصی بودن قوانین

۳- سیستم حق مجازات جهانی

۴- سیستم واقعیت قوانین جزایی (۱)

گفتار اول - بررسی اصل قانونی بودن جرم و مجازات (در حقوق اسلام و

ایران)

در حقوق اسلام این اصل در آیات و روایات بیان شده است نظیر:

الف - لا یکلف الله نفسا الا ما اتیها (طلاق ۸) ب - ما کنا معذبین حتی نبعث رسولا (

اسراء)

ج - حدیث رفع (رفع عن امتی تسعه اشیاء : الخطاء ، النسیان ، --- و ما لا یعلمون) د - اصول

فقهی مانند اصل جواز و اباحه و قاعده قبح عقاب بلا بیان



اصل قانونی بودن جرم و مجازات در قانون اساسی ما هم بیان شده است مانند

موارد ذیل :

۱- اصل ۲۲ (مصونیت اشخاص) ۲- اصل ۳۲ (حمایت از آزادی اشخاص) ۳- اصل ۳۶ (

قانونی بودن جرم و مجازات) ۴- اصل ۱۶۷ (صدور احکام مستدل و مستند به قانون) ۵-

اصل ۳۷ (بیان اصل براءت) ۶- اصل ۱۶۶ (در بیان جلوگیری خودسرانه از اعمال حق از

سوی قوه قضاییه)

از دید گاه اسلام جهان به دو قسمت دارالاسلام و دارالحرب تقسیم شده است)

(۲)

قوانین اسلام نسبت به تمام سکنه یک کشور اسلامی قابل اعمال است بنا براین موضوع

مصونیت را مخالف شرع دانسته اند چراکه این امر را موجب عدم تساوی انسانها در برابر قانون

تلقی کرده اند (۳)

ابو حنیفه اعتقاد دارد که درباره مستامن تنها کیفرهای حق الناس اجرا می گردد و مجازاتهای

حق الله اعمال نمی شود . البته منظور از مستامن مانند مامورین سیاسی است . (۴)

این که ما تصورنماییم اسلام همان چیزی است که ما دریافتیم و دیگر مکتبهای اسلامی راه

اشتباه رفته اند و درک درستی از دین ندارند بسیار تصور غلطی خواهد بود . اگر دقیق شویم در

فقه و در تفسیر آیات بین دانشمندان اسلامی اختلافهای زیادی وجود دارد (۵) پیامبر اکرم

میفرماید: خیر الامور اوسطها در اعمال حاکمیت و در محاکمه افراد و در تمامی سیاستهای لازم باید از این رویه استفاده کرد. راه اعتدال موجب وحدت بین مسلمانان است، موجب اعلام موضع مناسب به تمامی جهانیان است و این می تواند به تقویت اسلام انجامد. ما نباید از اسلام چهره ای خشن نشان دهیم، چهره ای که موجب وهن مسلمانان باشد.

در این مختصر نباید به حاشیه پرداخت یعنی از کسانی سخن گفت که گمان می کنند اسلام همان چیزی است که خودشان فهمیده اند و میگویند. دولت و حاکمیت از روشی بهره نبرند که به ضرر یک ملت و یا ضرر یک مکتب باشد. درست در این مواقع بحرانی باید از وحدت انسانها سخن به میان آورد و از صلح و آشتی گفت نه از برتری طلبی و خود بزرگ بینی و دیگری را حقیر پنداشتن!

تمام ادیان محترم هستند و تمام پیروان آن ادیان نیز محترم، لیکن اگر بخواهیم با روش درستی به جلب جهانگردان پردازیم رفتار متعادل می تواند موجب این امر باشد.

گفتار دوم: تطابق و تعارض قوانین ما با اعلامیه های حقوق بشر

ما در مقررات حقوق بشر اصول مشترکی را مشاهده می کنیم که تمام جهانیان آن را قبول کرده اند اما در هر کشوری هم قوانینی وجود دارند که در تباین با قواعد و مقررات اعلامیه های حقوق بشر میباشند. پس صرف اینکه قوانین کشوری با آن مقررات فرق داشته باشد و سیاستی مخالف را اتخاذ کرده باشد دلیلی بر مغایر بودن تمام سیاستهای آن دولت و مردم با اهداف

شایسته و منطقی جهانی نخواهد بود. علت اساسی این فرق ها رامیشود در اختلافهای فرهنگی و آداب و رسوم مردم جهان در وهله اول دانست ، دلیل دوم را میشود در منافع متعارض ملتها دانست . منافع اقتصادی و سیاسی هر کشوری هم در ایجاد این اختلاف ها نقش مهمی دارد .

ولی اگر کشوری به اقداماتی دست زند که موجب اعتراض بسیاری از مردم و حکومتهای جهان گردد ، این عکس العمل نشان از غیر منطقی بودن رفتار آن دولت و یا مردم دارد. از سویی منافع یک ملت در این است که با بیشتر دول قدرتمند رابطه حسنه ای داشته باشد تا امنیت و سود بیشتری را بدست آورد

آنچه که در اعلامیه های حقوق بشر مهم دانسته شده است را می شود در موارد ذیل فهرست کرد :.عدم تبعیض ،احترام به شخصیت انسان ، احترام به عقاید و افکار دیگران ، آزادی بیان و عقیده و قلم ، بی تاثیر بودن جنسیت ، نژاد ، زبان ، دین و تابعیت اشخاص. در هر کشوری بهنگام وضع قانون اساسی و قوانین عادی حتی در حقوق کامن لو مبتنی بر عرف این موارد مهم مورد توجه قرار گرفته است . در قانون اساسی ایران هم این موضوعات مورد تاکید قرار گرفته

است .این موارد بسیار کلی می باشند و از مصادیق مختلفی برخوردار هستند و بر همین اساس در این زمینه های اعتباری چون عرف های گوناگون حاکم می باشند ، اختلافهای بسیاری بوجود آمده است . یکی از اختلافها در دین و مذهب است .در قانون اساسی ما اسلام بعنوان دین و شیعه بعنوان مذهب برتر دانسته شده است و تنها امتیازی که ادیان دیگر داده شد در انجام مراسم عبادی خودشان است و این رفتار و آزادی عمل تنها برای ادیان و مذاهب خاصی

وجود دارد به عبارتی روشن ترادیان و مذاهب دیگر احترامی از نظر قانون گذار ایران ندارند .
این تفکر را اعلامیه حقوق بشر قبول ندارد اینکه ما بطور صریح به عقاید دیگران از نگاهی تحقیر آمیز بنگریم و انتظار داشته باشیم آنان در هر حالتی از ما پایین تر باشند . در اصول ۱۳ و ۱۴ احترام به غیر مسلمانان ذکر شده است ، اما اگر دقیق شویم تعارضی در همین دو اصل وجود دارد . در قوانین عادی ما هم اشکالاتی دیگر است مانند عدم برابری زن و مرد در حقوق و تکالیف در قوانین مدنی و مجازات اسلامی بسیار با این موارد روبرو می شویم . در قانون مجازات اسلامی در قصاص و دیات در قانون مدنی در امر طلاق و ارث که البته از حیث نظام حقوق اسلام برای مسلمانان هم جای اختلاف وجود دارد چرا که از یک آیه تعبیر مختلفی بیان می شود و هر یک می گوید من درست میگویم پس اسلام را از جنبه های گوناگون نگاه کردن و بر حسب میل و رغبت و منافع خود تعبیر کردن ارا متفاوتی را بوجود می آورد . این تعارضها هم مزید بر علت است که چهره ضعیفی از اسلام معرفی گردد . گروهی تندروی کنند و گروهی از اسلام تنها نامش را قبول داشته باشند . ما باید تکالیف خومان را در این گونه موارد هم مشخص نماییم تا راه باز باشد برای یک غیر مسلمانی که وارد ایران می شود بتواند با امنیت و راحتی بیشتری مدتی را بماند چون ما می خواهیم برای جلب گردشگران کاری را انجام دهیم باید میزان این تعارضها را اندک کنیم . یعنی مقدار حقوقی را که می خواهیم برای جهانگردان در نظر بگیریم کم نباشد . اگر منصفانه هم نگاه کنیم ما ایرانیان و همه مسلمانان وقتی به یک کشور غیر اسلامی سفر میکنیم آزادی کاملی داریم حداقل از حیث انجام مراسم

مذهبی اما همان بیگانه اگر وارد خاک ما شود از این امتیاز برخوردار نیست بعنوان مثال یک مسیحی اگر به گونه ای عمل کند که بوی تبلیغ مسیحیت بیاید ما مسلمانان عرصه را بر او تنگ میکنیم و این حق را از او می گیریم حال آن که خودمان در آلمان ، انگلستان، فرانسه و آمریکا و... انتظار داریم با آزادی کاملی این حق را اعمال کنیم چون اعتقاد داریم اسلام برتر از همه ادیان است خود این فکر و تصور برای ما مشکل ساز است .

شاید بر اساس همین تفکر تند بوده است که بر چسب اتهام های گوناگون بر ما بچسبد و درد های ما را بیشتر نماید . به هر حال تعارضهای فراوان مقررات جزایی ما که بسیار مهم نیز است با اعلامیه های حقوق بشر توانسته نقش منفی و موثر خودش را نشان دهد . ما چاره ای نداریم مگر به خط اعتدال رفتار کنیم و اگر خواهان ورود گردشگران بیشتر به کشور خودمان هستیم ناچاریم که قوانین جزایی خودمان را در مورد موضوع گردشگری تعدیل نماییم به صورتی که هم هویت ایرانی و اسلامی ما حفظ گردد و هم منافع ما در جلب جهانگردان تامین شود.

گفتار سوم : حقوق جهانگردان

دو دسته حقوق برای گردشگران متصور است : حقوق خصوصی و حقوق عمومی اما حقوق خصوصی که در قوانین مختلف ما برای بیگانگان وضع شده است کمتر جای بحث دارد چرا که در این مقاله ما از حیث حقوق عمومی می خواهیم بررسی نماییم بنابراین به حقوقی نظیر ازدواج و حق تالیف و حق ثبت علائم و اختراعات ، حق خرید و فروش ، حق اشتغال و... اشاره ای نداریم . اما چه حقوقی را برای یک گردشگر میشود در نظر گرفت ؟ آیا یک

گردشگر که مدت اقامت او در ایران کوتاه است مانند یک ایرانی است؟ به نظر می آید میشود از حقوقی برای او سخن گفت که موجب آسایش خاطر و امنیت او باشد برای یک مسافر مهمترین چیز جان و مال اوست دولت میزبان باید در این امر اصلا کوتاهی ننماید. بنابراین مهمترین حقوق جهانگردان را میشود در موارد ذیل فهرست کرد:

۱- حق ترافع قضایی و اقامه دعوی: یعنی یک جهانگرد مثل تمام ایرانیان بتواند براحتی در دادگاههای ایران برای احقاق حق از دست رفته و یا بدست آوردن یک حق مشروع خودش اقامه دعوی کند و بیگانه بودن او موجب محرومیت او نباشد. هر چه روش پیگیری دعوی از جانب جهانگرد براحتی و سهولت بیشتر امکان پذیر باشد، اعتماد آنان به نظام قضایی ما بیشتر خواهد بود. و احساس امنیت خواهند کرد. البته این حق برای بیگانگان در قانون آیین دادرسی مدنی و کیفری ایران وجود دارد ولی با شرایطی ویژه که درست هم است خصوصا اگر طبق رفتار متقابل کشوری دیگر باشد.

۲- ممنوعیت بازداشت بی دلیل او: جهانگرد باید وجود امنیت و آسایش را در یک کشور لمس نماید. اگر مقامات ایرانی بدون دلیل محکم و قانونی به دستگیری یک بیگانه اقدام کنند موجب می شود تا دیگران هم این حالت را برای خود تصور نمایند و از ورود به خاک ما پرهیز کنند.

۳- حق احترام به شخصیت او : گردشگر به عنوان یک انسان دارای این حق طبیعی است که مورد کرامت قرار گیرد و این حق طبیعی نباید بهیچ وجه مورد تعرض و یا بی توجهی قرار گیرد . جدای از این که او دارای چه زبان ، دین ، نژاد و تابعیتی باشد . کشور میزبان موظف است به این امر و موضوع خوب توجه کند .

۴- حق آشنا شدن با قوانین و آداب و رسوم کشور میزبان : هر کشور میزبان وظیفه دارد تا مقدماتی را فراهم آورد که جهانگردان قبل از ورود به کشورش به گونه ای مناسب با قوانین و رسوم بسیار مهم دینی و یا ملی جامعه اش آشنا گردند . بخاطر اینکه با ورود خود مشکلی را برای کشور میزبان و خودشان ایجاد نمایند . پس برای این منظور باید در یک مجموعه ای مختصر و جامع و بصورت کتابچه که حاوی مهمترین مقررات و سنن حاکم بر آن جامعه است را منتشر نماید و به هنگام اعطای حق ورود در اختیار جهانگردان گذارد .

۵- حق برخورداری از خدمات بموقع و مناسب : باز هم تکلیف دولت میزبان است تا امکانات خوبی را جهت این امر فراهم نماید . چون اگر گردشگر بطور فورس ماژور با مشکلاتی مواجه شد بتواند خیلی سریع آنان را حل کند و اگر دولتی در این زمینه ها اقداماتی شایسته را انجام دهد به تعداد مهمانان او هم افزوده خواهد شد . پس برای حمایت از گردشگر لازم بنظر می

رسد که این را به عنوان حق طبیعی برایش در نظر گرفته و به او در شرایط ضروری کمک سریع رسانده شود.

گفتار چهارم : تکالیف مهم جهانگردان

هر کشوری برای حفظ میراث فرهنگی و احترام به نظم عمومی و اخلاق حسنه مقرراتی را وضع می کند که تمام اتباع داخله و خارجه ملزم به رعایت آن می باشند . هر دولتی نیز جهت ایجاد آرامش و امنیت در مملکت خودش سیاستهایش را اعمال میکند تا موجبات حفظ آرامش را برای عموم مردم با رعایت تمامی جوانب فراهم کند . بنابراین در تمام جهان هم ما یک سری جرائم را سراغ داریم که هر کسی آنها را مرتکب شود محکوم به مجازات است . هر که باشد و از هر کجا هم باشد . ما آنها را در عنوان تکالیف عمومی جهانگردان می گنجانیم . در تمام سیستمهای حقوقی دنیا هم روی این امر با هم اتفاق نظر دارند . جرائمی مثل سرقت ، زدو خورد ، قتل و هتک حرمت و ... که در سر تاسر جهان مجازاتهایی را به دنبال دارند هر چند متفاوت باشد . پس هر گردشگری که وارد ایران می شود با آگاهی از این نوع جرائم ملزم است که رعایت کند تا کارش به محاکم ما نکشد . موضوع حفظ آثار ملی و میراث فرهنگی هم از همین اهمیت برخوردار است یعنی یک جهانگرد می داند و باید بداند که احترام به حقوق متعلق به دیگران وظیفه و تکلیف اوست . این نیازی به استدلال و برهان ندارد . اما همیشه موضوع به این راحتی نیست که ما بتوانیم تکالیف علیحده ای را برای جهانگردان فهرست کنیم و تازه درست هم نیست که بار فراتر از توان و طاقت را بر بیگانه ای تحمیل نماییم . شاید وقتی

ما حرف از تعدیل میزدیم بیشتر هدف ما همان مواردی بودند که جنبه عمومی و جهانی نداشتند نه آن مواردی که از تکالیف عمومی یک گردشگر در تمام نقاط دنیاست. پس از تکالیفی که بسته به آداب و رسوم و مذهب یک کشور است برای بیگانه باید دقیقاً تعریف گردد و شناسانده شوند. و نباید انتظار داشت که یک خارجی و بیگانه کاملاً مانند یک تبعه داخلی رفتار کند و کوچکترین نافرمانی او مورد مجازات قرار گیرد. در هر صورت موارد ذیل از مهمترین تکالیف گردشگران می تواند بشمار رود:

۱- احترام به اصول مسلم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (البته قانون اساسی هم تعدیل و اصلاح گردد.)

۲- رعایت قوانین و مقررات جزایی (که البته باید تعدیل شود.)

۳- رعایت مقررات راهنمایی و رانندگی

۴- عدم دخالت در امور سیاسی

۵- عدم سوء نیت نسبت به آثار ملی و میراث فرهنگی

۶- احترام به آداب و رسوم ملی، فرهنگی و دینی

۷- داشتن رابطه حسنه با اتباع ایرانی در طول اقامت خودش

البته هر یک از تکالیف فوق می تواند مصادیق مشترک و متنوعی داشته باشد. بنابراین بهتر است که حدود و میزان آن مشخص گردد. تا بیگانه مشمول قاعده قبح عقاب بلایان نشود.

گفتار پنجم: ایجاد اتحادیه توریستی و وضع مقررات بیمه ای همسان (یک

پیشنهاد)

جهت رفاه و آسایش و امنیت بیشتر گردشگران در کشورهای مختلف جهان با توجه به اختلاف ارزی کشورهای گوناگون کنار هم گرد آیند و تفاهم نامه ای را امضاء کنند که به کمک جهان گردان باشد. تشکیل اتحادیه توریستی تنها به هدف مساعدهای فرهنگی و اقتصادی است و

هیچ ارتباطی با امور سیاسی ندارد یعنی تمام کشورهای جهان با هر سلیقه ای میتوانند در این اتحادیه عضو شوند. برای کشورهای عقب مانده و در حال توسعه یک راه مناسب جهت جذب و جلب بیشتر گردشگران و تقویت بازار خودشان است و این بهترین نوع رقابت بین کشورهای ضعیف و قوی حتی می باشد. البته برای اتباع هر کشور هم این اهمیت دارد که دولشان آنان را در حمایت داشته باشد و همه جا ب فکر آنان باشد. شاید بشود این راه را تا حدودی نزدیک به

روش لغو روادید دانست. در لغو روادید دولتهای اطراف برای راحتی رفت و آمد اتباع خود به توافق میرسیدند و صد البته ایجاد اتحادیه توریستی فراتر از این موضوع است و تازه مشکلات آن را هم ندارد. شاید بشود این کار را جزو تکالیف دولتها دانست و کوتاهی آنان را قابل بخشش نخواند و این از حقوق اتباع هر کشور است که دولتهایشان دست به اقدامات مهم و سازنده بزنند و در حمایت و تقویت صنعت توریست سریعتر عمل کنند. خود این پیشنهاد و

شروع چنین کاری می تواند چهره ای بسیار مناسب از یک دولت و مردم ارائه دهد و بی تاثیر در توسعه این صنعت در ایران نیست .

از سویی دیگر وضع مقررات بیمه ای همسان در کمک به گردشگران در مواقع بحرانی نیز میتواند شایسته باشد . شاید بشود این را هم جزو حقوق یک جهانگرد دانست که تحت حمایت بیشتر باشد . در مواقع اضطراری پیش آمده است که بیگانه امکان رفع نیاز و حل مشکلات خودش را نداشته است . همانند حوادث رانندگی و یا بیماری که هزینه آن بسیار است . در این حالات دولت و کشور میزبان تکلیف خود بدانند که ابتدا به کمک فرد محتاج برود و اگر خود این فرد نتوانست هزینه های انجام شده را پردازد از طرق مناسب در دریافت هزینه های داده شده با دولت آن تبعه موضوع را مطرح کند . البته نمی شود در این مختصر همه چیزها را روشن بیان کرد ولیکن این راه حل درست و شایسته است . مثلاً مداوای حادثه دیدگان ایرانی در ترکیه که قصد عبور از خاک آن را داشته اند از سوی دولت ترکیه و تحت بیمه بودن این مسافران در خود ترکیه بنفع تمام طرفین است . بیمه همسان بیشتر بخاطر تفاوت ارزش پول های کشورها مهم است . و از نظر اخلاقی هم کار پسندیده ای است که دولتی در این راه پیشتاز باشد .

پاورقی های فصل دوم :

۱- دکتر افراسیابی محمد اسماعیل ، حقوق جزای عمومی ، جلد اول ، ص ۲۱۳ نشر فردوسی

۲- همان منبع ، ص ۲۲۵ .

۳- همان منبع ص ۲۲۵ .

۴- دکتر فیض علیرضا ، تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام . ص ۸۶ .

۵- مراجعه کنید به : فقه و فقها، دکتر محمد جعفر هرندی ، چاپ دانشگاه آزاد بابل مازندران . چاپ اول .

نتیجه گیری :

اصل حاکمیت قوانین هر کشور بر تمام سکنه اش می باشد لیکن این اصل باید بدرستی اعمال شود . بطوریکه گردشگران مشمول قاعده قبح عقاب بلایان نشوند . یعنی باید اصل قانونی بودن جرم و مجازات رعایت گردد . ازسویی ایران که در فکر تقویت صنعت توریست است مجبور است امتیازاتی را برای جهانگردان قائل گردد و در نظر گیرد تا به طریقی در جلب و جذب جهانگردان بیشتر و در رقابت با کشورهای دیگر موفق باشد. اگر موضع قانونگذاران ایرانی معین باشد و حسن نیت خود را هم نشان دهند سریعتر این نتیجه بدست می آید . اما اگر قرار باشد قانون ما متعادل باشد ولی مجریان برای خود قدرتی فراتر از قانون قائل باشند نمی شود امیدی داشت که این صنعت رشد نماید . مسامحه نسبت به گردشگران الزامی است چون از جهتی ما نیازمندیم که آنان وارد کشور ما شوند و ورود آنان برفع ماست ، ازسویی دیگر آنان اگر نتوانند احساس امن و راحتی نمایند تمایلی را جهت آمدن به ایران نشان نمیدهند. پس ما باید با در نظر گرفتن تمام جهات با کارشناسی مناسب و منطقی در تعدیل قوانین ومقررات

اقدامات خوبی را انجام دهیم . تعیین حقوق و تکالیف برای جهانگردان باید استدلال حقوقی داشته باشد اما مثل خود مقررات خشک و بی انعطاف نباشند . دولت ایران با تشکیل اتحادیه توریستی البته با همکاری کشورهای دیگر و وضع مقررات بیمه ای همسان می تواند مقام و موقعیت خوبی را احراز کند . و الگویی مناسب در این امر شایسته باشد . این هم از تکالیف دول میزبان و هم از حقوق گردشگران تمام جهان است .